



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۳-۲۶

فردوس

غنی در تقابل با کرزی و خلیل زاد

ارگ با نادیده گرفتن هشدارهای زلمی خلیل زاد نماینده ویژهی واشنگتن برای پایان جنگ افغانستان می گوید که در نشست ماه اپریل طالبان با احزاب و گروه های سیاسی شرکت نمی کند. محمد اشرف غنی اجازه نداد که در جلسه ماه فبروری مسکو هم، نماینده گان حکومت شرکت کنند. حامد کرزی قبل از نشست مسکو از محمد اشرف غنی تقاضای ملاقات کرده بود. کرزی ظاهراً می خواست که آقای محمد اشرف غنی، شماری از مقام های حکومتی از جمله حمدالله محب مشاور امنیت ملی ارگ و محمد معصوم استانکززی رییس عمومی امنیت ملی را به نشست مسکو بفرستد. اما محمد اشرف غنی نه حامد کرزی را به حضور پذیرفت و نه کسی را به نماینده گی از خودش به نشست ماه فبروری مسکو فرستاد.

کرزی در واقع رهبری تلاش هایی را به دوش دارد که هدف از آن گفت و گوی نماینده گان طالبان با نماینده گان احزاب و چهره های سیاسی است. کرزی در زمان حکومتش هم، تمام چهره های درشت سیاسی و نماینده گان آنان را در شورای عالی صلح جمع کرده بود تا اگر روزی مذاکره با طالبان تحقق یابد، همین شورا با آنان مذاکره کند. کرزی سعی می کرد هویت غیر حکومتی به شورای عالی صلح بدهد و چنان می نمایاند که در آن شورا نماینده گان تمام احزاب و نیروهای سیاسی، حتا رهبران پر نفوذ جمع شده اند و طالبان می توانند با آنان صحبت کنند. کرزی همان راه را این بار به شکل دیگر می رود. او خودش هم با نماینده گان طالبان در قطر در تماس است و هم با احزاب و رهبران سیاسی پر نفوذ در کابل. نشست و برخاست صمیمانه ی کرزی با هیأت طالبان در مسکو نشان داد که تماس دوام دار میان او و دفتر طالبان در دوحه وجود دارد.

به نظر می رسد که کدام مرجع قطری به حامد کرزی دعوت نامه فرستاده است و ایشان با نماینده گان احزاب سیاسی و سیاست مداران پر نفوذ در تماس است تا جمع کلانی از سیاست مداران را به دوحه ببرد و آنان را دور میز مذاکره با نماینده گان طالبان بنشانند. قرار است که در اواسط ماه اپریل نماینده گان احزاب سیاسی و شماری از سیاست مداران پر نفوذ در دوحه با هیأت طالبان مذاکره کنند. نشست ماه اپریل قطر ادامه ی نشست مسکو است و از تماس های کرزی با رییس اجرایی هم بر می آید که داکتر عبدالله هم احتمالاً نماینده گانش را به نشست قطر می فرستد. برخی از فعالان حقوق زن و شماری از فعالان جامعه ی مدنی کابل هم در نشست دوحه شرکت می کنند. فعالان جامعه ی مدنی به صراحت اعلام کرده اند که به نشست دوحه می روند تا از مواضع حوزه ی دموکراسی خواه افغانستان نماینده گی کنند.

داکتر زلمی خلیل زاد نماینده ی ویژه ی امریکا برای پایان جنگ افغانستان در سفر اخیرش به کابل گفته بود که او از ارگ خواسته است تا با تشکیل یک هیأت ملی مذاکره کنند، قبل از تشکیل جرگه ی مشورتی کابل ماه ثور موافقت کند. خلیل زاد هشدار داده بود که اگر ارگ تشکیل یک هیأت ملی مذاکره کننده را قبل از برگزاری جرگه ی مشورتی کابل نهایی نکند، نشست مسکو تکرار می شود. معنای سخن او این بود که نشست قطر که ادامه ی نشست مسکو است، برگزار شدنی است و بهتر است که محمد اشرف غنی هم نماینده گان خود را به آن بفرستد. اما محمد اشرف غنی نمی خواهد که حکومت به عنوان یک گروه در نشست قطر شرکت کند. او به همین دلیل به نشست مسکو هم نماینده گانش را نفرستاد. اشرف غنی خودش را رییس دولت افغانستان می داند نه رهبر یک گروه. اشرف غنی همیشه تلاش کرده است این تصور را به دست بدهد که در انتخابات سال ۲۰۱۴ به پیمانهای زیاد تقلب نشده بود و پیروزی او محصول بیداری پشتون ها بود.

محمد اشرف غنی علاوه بر این که خودش را رییس دولت افغانستان می داند، به این باور است که نه کرزی می تواند از پشتون ها نماینده گی کند و نه سیاست مداران دیگر. به همین دلیل است که او می خواهد طالبان با حکومت گفت و گو کنند و مذاکره با گروه طالبان دولت محور باشد. او به نظر می رسد که او با گفت و گوهای طالبان با احزاب و گروه های سیاسی که حامد کرزی در تلاش سازماندهی آن است، کمتر همکاری می کند. محمد

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

اشرف غنی شاید مانع پرواز سیاست مداران و نماینده گان احزاب سیاسی برای سفر به قطر و شرکت در نشست دوحه نشود، ولی به نظر نمی رسد که خودش فیصله های آن نشست را بپذیرد یا کسی به نماینده گی از خودش به آن جا بفرستد.

این نوع موضع گیری تقابل آشکار با چیزی است که خلیل زاد آن را مأموریت خودش می خواند. آقای خلیل زاد بارها گفته است که مأموریت او تسهیل گفت و گوهای طالبان با دیگر افغان ها است. منظور او همین است که طالبان با احزاب سیاسی و سیاست مداران بر نفوذ در مورد آیندهی سیاسی افغانستان گفت و گو کنند و روی یک نقشه ی راه برای ادغام طالبان در سیاست افغانستان به توافق برسند. خلیل زاد در سخنرانی اش در انستیتوت صلح ایالات متحده گفت که طالبان با حکومت افغانستان گفت و گو نمی کنند، اما اگر ترتیبی داده شود که از جانب افغانستان یک هیأت چند حزبی و چندفرهنگی بیاید و نماینده گان حکومت هم در آن حضور داشته باشند، احتمال آن زیاد است که طالبان با چنین هیاتی روی میز گفت و گو بنشینند. روشن است که در داین گفت و گو ها حکومت به عنوان حکومت حضور نخواهد داشت، بلکه نماینده گان حکومت به عنوان افراد و نماینده گان یک گروه تلقی خواهند شد. طالبان حکومت افغانستان را به دلایل ایدئولوژیک مشروع نمی دانند. تصور آنان این است که اگر باورهای ایدئولوژیک شان را نقض هم کنند و با حکومت مذاکره کنند، انسجام درون سازمانی شان از بین می رود. مشکل دیگر این است که آقای خلیل زاد عجله دارد. عجله ی خلیل زاد ریشه در ضرورت های انتخاباتی و سیاسی حکومت ترمپ دارد.

شاید آقای خلیل زاد هم بخواهد که از تمام ظرفیت های و توانایی های دیپلماتیکش استفاده کند، تا هرچه زودتر با طالبان به توافق برسد و نماینده گان آنان را دور میز مذاکره با احزاب و گروه های سیاسی دیگر بنشانند. روشن است که اگر مذاکره با طالبان به زودی به نتیجه برسد و آن چه که اداره ی ترمپ می خواهد به دست بیاید، اعتبار سیاسی خلیل زاد در واشنگتن بیشتر می شود. در دوران بوش هم شاهد صعود آقای خلیل زاد در روابط قدرت امریکا بودیم. او در کتاب خاطراتش نوشته است که بوش باری او را از کابل به واشنگتن خواست و در حضور مقام های امریکایی دیگر به او گفت که کارش در افغانستان موفق بود و بهتر است که از این به بعد در عراق به عنوان سفیر وظیفه اجرا کند. حتا سیاست مداران گرد طرف دار امریکا در عراق می خواستند که خلیل زاد از این ابرقدرت در بغداد نماینده گی کند. خلیل زاد بعداً به عنوان نماینده ی دایمی امریکا در سازمان ملل متحد اجرای وظیفه کرد. هیچ تردیدی نیست که اگر خلیل زاد در مأموریت افغانستان موفق شود، در روابط قدرت امریکا یک پله بالاتر صعود کند. این اختلاف ها و تضاد منافع وضعیت اوضاع افغانستان را بیشتر پیچیده ساخته است.

با تشکر از روزنامه هشت صبح